

برگزاری فاتحه‌خوانی عمومی
برای قربانیان کشتار اگسا

دولت افغانستان دو روز عزای عمومی را برای تجلیل از قربانیان رژیم کمونیستی حاکم در اواخر سال ۱۹۷۰ در کشور اعلام کرده است.

گفته می‌شود در طول این دوره، هزاران نفر از مخالفان به قتل رسیده‌اند.

دولت افغانستان در بیانیه‌ی اعلام کرد: «چندین مراسم در سراسر کشور برای تجلیل از قربانیان برگزار خواهد شد و پرچم‌ها در طول این دو روز به صورت نیمه افراشته خواهد بود.»

کودتای کمونیستی مورد حمایت مسکو نیمه شب ۲۷ اپریل ۱۹۷۸ داوود خان رئیس جمهوری این کشور را سرنگون کرد. به این ترتیب وی به همراه ۱۸ نفر از اعضای خانواده خود در کاخ ریاست جمهوری به قتل رسید.

این رژیم که تا زمان حمله نیروهای شوروی... ادامه صفحه ۶

۲۸ فرمانده ارشد طالبان پس از رهایی
از زندان به جنگ برگشته‌اند

صفحه ۶

آگاهان:

ناامنی در شماری از ولایت‌ها عمدی است

بیشتر ولایت‌های افغانستان عمداً ناامن شده تا بهانه‌ی برای عدم برگزاری انتخابات پیدا شود.

شماری از نمایندگان مجلس و ائتلاف‌های سیاسی با ابراز این مطلب می‌گویند، ناامن شدن شماری از ولایت در شرایطی که زمان کمی به برگزاری انتخابات باقی مانده، نشان‌دهنده تلاش‌ها برای عدم برگزاری انتخابات است.

به گفته آنان، اگر انتخابات به بهانه عدم امنیت برگزار نشود، افغانستان یک‌بار دیگر به سال‌های قبل از ۲۰۰۱ برخواهد گشت و بی‌ثباتی در کشور حاکم خواهد شد. این درحالی است که وزارت امور داخله اعلان کرده است که نیمی از مراکز رای‌دهی با تهدید رو به‌رو است.

در دوره قبلی انتخابات، نیروهای ناتو سهم بیشتری

در تامین امنیت انتخابات داشتند؛ اما این بار تمام مسؤولیت‌ها بر دوش نیروهای امنیتی افغانستان است.

سید آقا فاضل سانچارکی سخنگوی ائتلاف ملی افغانستان می‌گوید، نیروهای امنیتی افغانستان برای تامین امنیت انتخابات تعهد سپردند و روی این علت آماده قبول مسؤولیت‌های امنیتی شدند.

او تاکید کرد، اگر نیروهای امنیتی توان تامین امنیت انتخابات را نداشتند، پس چرا مسؤولیت‌های امنیتی را



پذیرفتند؛ بنابراین می‌توان گفت که در شرایط کنونی ناامنی در شماری از ولایت عمدی است، چون تیم حاکم در صدد عدم برگزاری انتخابات است. به گفته سانچارکی، ثبات و امنیت... ادامه صفحه ۶

اتحادیه ملی ژورنالیستان:

آزادی بیان با تهدید جدی مواجه است



با این حال، شماری از نهادهای مدافع از حقوق خبرنگاران به شمول اتحادیه ملی ژورنالیستان کشور می‌گویند که وزیر اطلاعات و فرهنگ همزمان نمی‌تواند دو وظیفه مهم را به عهده بگیرد. عبدالحمید مبارز می‌گوید که آینده آزادی بیان در افغانستان روشن نیست و به... ادامه صفحه ۷

عبدالحمید مبارز، رئیس اتحادیه ملی ژورنالیستان افغانستان می‌گوید که آزادی بیان در افغانستان با تهدید جدی مواجه شده و به گفته او در صورت ادامه این روند، آینده آزادی بیان در کشور تاریک خواهد شد.

آقای مبارز این موضوع را روز گذشته در مجمع عمومی اتحادیه ملی ژورنالیستان افغانستان در کابل و در واکنش به تصمیم اخیر مجلس نمایندگان مطرح کرد.

به تازه‌گی، مجلس چند ماده قانون رسانه‌های همگانی را تغییر داد و براساس یکی از این ماده‌ها، ریاست کمیسیون رسیدگی به تخلفات رسانه‌ها به وزیر اطلاعات و فرهنگ سپرده شده است. گفته می‌شود که این قانون براساس درخواست وزارت اطلاعات و فرهنگ تغییر کرده است.

اشرف غنی
وارد میدان شد

اشرف غنی احمدزی از آماده‌گی خود برای نامزدی در انتخابات ریاست جمهوری سال آینده خبر داد.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، اشرف غنی نخستین سیاستمدار کشور است که آماده‌گی خود را برای شرکت در انتخابات ۲۰۱۴ میلادی رسماً اعلام کرده است. وی در تویتر خود نوشته... ادامه صفحه ۶

در برگ‌ها

مبارزه با
تروریسم
و طالبانی
کردن قدرتنقشه‌ی
فرضی
برای تقسیم
۵ کشور
خاورمیانه
به ۱۴ کشور
جدیدمهاجرت به
بریتانیا و
سازوکار
تکثیر در این
کشورحقیقت
حزب التحریر
و نیم‌نگاه
انصاری!

حلیمه حسینی

مبارزه با تروریسم و طالبانی کردن قدرت



سخن ماندگار

امان از این عقب نشینی های تکتیکی!

سال هاست که اگر سخن از فساد گسترده در کشور می شود، رئیس جمهوری می گوید خارجی ها آن را به افغانستان آورده اند. اگر از کشت کوکنار انتقاد می شود، مقام های کشور شکست خود را در برابر این پدیده خانمان برانداز، نیاز جهان به مواد مخدر می خوانند و مدعی می شوند که جهان نیاز خود به مواد مخدر را حل کند، آن گاه ریشه های کوکنار در افغانستان خود به خود می خشکد. اگر بحث بر سر نحوه مبارزه با تروریسم به میان می آید، آن گاه ارگ نشینان ناتو را مقصر می دانند که لانه ها و ریشه های اصلی آن را به درستی تشخیص نکرده اند. به گفته آنها لانه های تروریسم در آن سوی مرز است و کشورهایی که علم مبارزه با تروریسم را برافراشته اند، باید به کشور پاکستان حمله کنند. اما طنز قضیه این جاست که آقای کرزی به یکی از رسانه های پاکستانی گفت، در صورتی که امریکا به کشور پاکستان حمله کند، آن گاه افغانستان در کنار پاکستان با امریکا خواهد جنگید. حالا معلوم نیست که ناتو برای از بین بردن لانه های تروریست ها باید به پاکستان حمله کند و یا خیر؛ چون در آن صورت با واکنش نظامی آقای کرزی روبه رو خواهد شد!

استفاده از چنین ادبیاتی، همواره در میان مقام های کشور رایج بوده است و این ادبیات به زمان حاضر هم محدود نمی شود. در طول سی سال گذشته، از این ادبیات که به ادبیات «اژانس باختری» شهره است، برای مخفی ساختن واقعیت ها به اندازه کافی استفاده شده است. یکی از ویژگی بارز نظام های بسته و استبدادی، تحریف و یا آرایه غلط رویدادهاست. دولت ها همواره برخی حقایق را کتمان کرده اند؛ حتا در عصر جهانی شدن و فناوری های بزرگ اطلاعاتی و خبررسانی. اما چرا دولت افغانستان قانون حق دسترسی به اطلاعات را تصویب نمی کند؟! دلیل آن روشن است، چون نمی خواهد که شهروندان کشور در امور کشور «فضولی» کنند.

نظام ها عمدتاً تلاش می کنند که اطلاعات نظامی را از مردم پنهان نگه دارند و اگر مشکلی هم وجود دارد، آن را طوری نشان دهند که آن قدر جدی نیست. وقتی ولسوالی کران و منجان بدخشان به تصرف نیروهای طالبان درآمد، چیزی نبود که بتوان آن را از مردم پنهان کرد.

رسانه های مختلفی در این خصوص گزارش دادند و حتا عوامل سقوط این ولسوالی را نیز برشمردند. اما بحث تنها بر سر کران و منجان هم نیست؛ در بدخشان ولسوالی های زیادی وجود دارند که یا در آستانه سقوط به سر می برند و یا میزان تهدیدها نسبت به آنها به شدت بالاست. ورود دیگر ولسوالی بدخشان است که همواره درگیری های نظامی را تجربه می کند. اما دولت در خصوص مسایل بدخشان، همواره مهر سکوت بر دهان زده است.

در ولایت های نورستان و غور نیز وضعیت امنیتی به صورت سرسام آوری رو به وخامت گذاشته است. نماینده گان نورستان در پارلمان کشور گفته اند که ۷۰ درصد این ولایت از سوی نیروهای مخالف اداره می شود. در غور هم وضع بدین منوال است و شورشیان، دست بالایی در این ولایت دارند. اما وقتی مقام های کشور از وضعیت این مناطق سخن می گویند، چنان اطمینانی در لحن و گفتارشان موج می زند که گویی در این ولایات هیچ خبری نیست.

در همین حال، این را هم نباید نادیده گرفت که ناامنی ها تنها به این سه ولایت افغانستان محدود نمی شوند. از شمال تا به جنوب و از شرق تا به غرب، وضع امنیتی در بدترین حالت قرار گرفته است. آن هم درست در زمانی که کمتر از هفت ماه به برگزاری انتخابات باقی مانده و یک سال بعد نیز نیروهای ارتش و پولیس باید مسوولیت امنیت کامل کشور را از نیروهای خارجی بگیرند. اصل موضوع این است که چه آن را عقب نشینی تکتیکی بخوانیم و چه شکست؛ این ولسوالی مثل ده ها ولسوالی دیگر کشور، به وسیله طالبان تصرف شده و اداره می شود. اما مقام های ارتش، دل خود را خوش می کنند که از این ولسوالی ها عقب نشینی تکتیکی کرده اند. مبدا نیروهای دولتی در آستانه انتخابات پیش رو از تمام ولایات کشور عقب نشینی تکتیکی نمایند و جای آنها را طالبان و گروه های شورشی پر کنند!

شریک ساختن طالبان در بدنه قدرت، این قدر جدی مطرح است؟ چرا راه دیگری برای استقرار صلح و ثبات در افغانستان به جز باج دادن و باج خواهی وجود ندارد؟ آیا شهروندان ما چند دهه مبارزه کردند و قربانی دادند که اینک ما حاصل تلاش های خود را دو دستی به گروه هایی چون طالبان تقدیم کنند؟ آیا قرار است سیاست زمین سوخته، پرپر کردن نسل ها، تخریب آثار فرهنگی و خشم و خشنونت در این دیار تکرار شود؟ آیا کسانی باید به قدرت باز گردند که تاریخ جز توحش و سرکوبگری چیزی از آنها ندیده است؟

مسلم است که طالب، دوست شده نمی تواند مگر این که نوع نگاه و تفکرش به سیاست و جامعه و همه عناصر دخیل در شکل گیری حیات جمعی عوض گردد. آیا این معجزه رخ داده و طالب امروز تا این حد عوض شده است که دیگر نه تنها نباید با آنها جنگید که باید آنها را به حاکمیت و اقتدار رساند؟

امروز به صورت جدی از تمام کسانی که بر طبل طالب خواهی و طالب دوستی می کوبند و خواهان شریک ساختن آنها در قدرت و بدنه نظام هستند، باید پرسید چه تضمینی وجود دارد که بعد از به قدرت رسیدن طالبان، اولین حرکت آنها زدن سرشاخه ها و یا از ریشه برکندن همه ندا و اراده های مبتنی بر دموکراسی خواهی نباشد؟ اگر این اتفاق بیافتد، چه کسی بیشترین هزینه را خواهد پرداخت و

داشته باشد، به نوعی نماینده تکتیک «پنهان بازی کن و به چشم نیا و حرکت کن» شده است؛ یعنی این که عدم شفافیت و در ابهام قرار دادن مردم و در تاریکی گذاردن شهروندان، به یک سیاست عام و برنده تبدیل شده است.

این روزها که هر لحظه به انتخابات نزدیک تر می شویم، زمزمه حضور طالبان در انتخابات، نجوای پنهانی زدوبندها با سران طالب، اخبار داغی که حکایت از آزد شدن نفر دوم و سوم و ... طالبان را هر روز از بندهای پاکستان دارد و بالاخره سیاست نرم و دوستانه و بردار مشربانه ای که حکومت ما نسبت به این گروه متخاصم و جنگ جو در پیش گرفته است، همه با هم موجب شده که بغض مانده در گلو شهروندان ما به خصوص کسانی که در این میان هزینه بی بیشتر که جان عزیزان شان بوده را پرداخته اند، مجالی برای خالی شدن نیاید و در گلو خفه و آماس کرده تر باقی بماند. چرا که اگر نتیجه بیش از یک دهه دموکراسی خواهی و مبارزه علیه تروریسم، مرور دوباره دیارهای سوخته و جسد های سوزانده شده باشد، اگر دست آورد ما دوباره رقم زدن حاکمیتی باشد که از نسل کشی ابا نمی ورزد و قتل انسان ها برای آنها می تواند کلیدی باشد برای رفتن به بهشت؛ آن گاه است که از خود باید پرسیم به راستی ما بازنده میدان نبوده ایم؟ آیا بازنده اصلی شهروندانی نبوده اند که بیش از یک دهه با حیثیت، خواست، اراده،

مبارزه با تروریسم و ریشه کن ساختن آن در منطقه به این هدف که دامنه این مشکل به سرزمین های رفاه و سرمایه داری نفوذ نکند، همان هدف از پیش تعیین شده ای بود که سال ۲۰۰۱ را برای افغانستانی ها متفاوت تر از همیشه رقم زد. بیش از یک دهه میزبان جامعه جهانی بودن آن هم در حالی که آنها بیش از این که مهمانی خوانده یا ناخوانده خود را بدانند، به دلیل هزینه سرسام آوری که برای به اصطلاح دموکراتیزه ساختن افغانستان صرف کرده اند، به نوعی خود را صاحب خانه می دانند و گاهی نوع عمل کردهای شان حکایت از این دارد که بسیار دشوار است که قضاوت کنیم افغانستان در کدام وضعیت خاص سیاسی به سر می برد؛ آزاد و مستقل، یا نه وابسته و گوش به فرمان؟

به هر صورت آنچه مسلم است، ورود جامعه جهانی به افغانستان که با سقوط رژیم دهشت افکن طالبان همراه بود، برای همه شهروندان ما نوعی طنین خوش از رهایی و آزادی را به همراه آورد. ولی آنچه اکنون این شیرینی را به کام همه تلخ کرده است، دست های پیدا و پنهان و اراده های نامبارکی است که می خواهند قلم بطلان بر تمام هزینه ای که مردم ما طی این سال ها پرداختند و پا به پای جامعه جهانی در راه دموکراسی و مردم سالاری جان فشانی ها کردند، بکشند.

این روزها شاهد تلخ ترین حوادث و دردناک ترین عقب گرد ها در تاریخ معاصر افغانستان هستیم؛ حوادثی که سلسله وار دست به دست هم داده اند تا به نوعی نامشروع و ناخلف دیروز را بر مسند قدرت نشاندند و به جای جزا، پاداشی به او دهند که کمترینش، زعامت و حاکمیت بر مردم ماست. ملت افغانستان سال ها در به دری و آواره گی را تحمل کرده و هزینه های کلان جانی و مالی پرداخته تا از شر تفکر و ایدئولوژی و یا خط مشی رفتاری و سیاسی بی که طالبان در برهه ای از زمان و تاریخ این کشور بر آنها تحمیل کردند، رهایی یابند؛ اما سوگ مندانه اکنون شاهدند که حرکت های نرم و خزنه ای به نفع طالبان در همه جا به راه افتاده است؛ در بدنه نظام حاکم، در روند کارکرد و حرکت های جامعه جهانی و در تحرکات سایه واری که نامرئی و ناپیدا اما قدرت مند در داخل و خارج، سیاست افغانستان را بیمار و فرسوده ساخته است.

در همه جا می توان بوی تند و زننده طالبانی شدن را استشمام کرد. سیاست ما طالب زده شده است و سیاست مداران ما طالب دوست یا طالب پرور یا خود طالب! به هر صورت، این واژه این روزها بیشتر از این که نماینده گی از یک ایدئولوژی خاص و طرز تفکری مشخص

انتخاباتی که بخواهد یک عقب گرد تاریخی باشد و بستری را فراهم آورد که

دشمنان مردم، بر گرده مردم توسط خود مردم سوار شوند و سواری بگیرند و

به ریش ملت بخندند، آیا می تواند تعریف گر دموکراسی باشد و مردم سالاری را

رقم بزند؟ به راستی چرا طرح شریک ساختن طالبان در بدنه قدرت، این قدر جدی

مطرح است؟ چرا راه دیگری برای استقرار صلح و ثبات در افغانستان به جز باج

دادن و باج خواهی وجود ندارد؟ آیا شهروندان ما چند دهه مبارزه کردند و قربانی

دادند که اینک ما حاصل تلاش های خود را دو دستی به گروه هایی چون طالبان

تقدیم کنند؟ آیا قرار است سیاست زمین سوخته، پرپر کردن نسل ها، تخریب آثار

فرهنگی و خشم و خشنونت در این دیار تکرار شود؟ آیا کسانی باید به قدرت باز

گردند که تاریخ جز توحش و سرکوبگری چیزی از آنها ندیده است؟

آن روز راه نجات مردم ما که طعمه وار در دام گیر مانده اند، کدام خواهد بود؟ آیا راهی برای بازگشتن به عقب آن هم بدون صدمه دیدن و به سلامت گذر کردن از مسیر گذشته به آینده، هست؟ بدون شک پاسخ اگر نه باشد، دیگر هیچ تفسیری برای تلاش های بزدلانه ای که برای سهم کردن طالبان در قدرت به راه افتاده، باقی نخواهد ماند!

عزت و احساسات آنها بازی شده و به سخره گرفته شده اند؟ انتخاباتی که بخواهد یک عقب گرد تاریخی باشد و بستری را فراهم آورد که دشمنان مردم، بر گرده مردم توسط خود مردم سوار شوند و سواری بگیرند و به ریش ملت بخندند، آیا می تواند تعریف گر دموکراسی باشد و مردم سالاری را رقم بزند؟ به راستی چرا طرح

نقشه‌ی فرضی برای تقسیم ۵ کشور خاورمیانه به ۱۴ کشور جدید



روزنامه نیویارک تایمز امریکا در گزارشی از طراحی نقشه‌ای فرضی برای جهان عرب خبر داد که براساس آن تقسیمات جدیدی در شماری از کشورهای عربی انجام خواهد شد؛ به نحوی که براساس این طرح پنج کشور به ۱۴ کشور در تقسیمات جدید تبدیل خواهند شد.

براساس طرح مذکور کشورهای عربستان، سوریه، لیبی، یمن و عراق جزو پنج کشوری هستند که قرار است در طرح مذکور تقسیم شوند.

در این طرح «کشور کردستان» در شمال عراق و شمال سوریه تشکیل خواهد شد و کشور علوی با عنوان «علوی‌ستان» نیز در سوریه شکل می‌گیرد.

علاوه بر این مناطق سنی نشین در عراق و سوریه کشوری واحد را تحت عنوان «سنی‌ستان» تشکیل خواهند داد و در جنوب عراق نیز دولت «شیعه‌ستان» تشکیل خواهد شد.

براساس طرح مذکور در جنوب غربی سوریه نیز کشور جدید «جبل‌الدروز» تشکیل خواهد شد.

روزنامه نیویارک تایمز در ادامه نوشت: قرار است کشور یمن که کشوری بسیار فقیر در جهان عرب است بار دیگر به دو بخش پس از انجام همه پرسی تقسیم شود. لیبی نیز قرار است به سه بخش یعنی طرابلس، برقه و کشور سوم در جنوب غربی این کشور تقسیم شود.

در خصوص عربستان نیز در طرح مذکور آمده است که این کشور به پنج کشور یعنی عربستان شمالی، عربستان غربی، عربستان جنوبی و عربستان شرقی تقسیم شده و کشور «وهایی‌ستان» نیز در مرکز عربستان با توجه به نسبت‌های قبیله‌ای و طائفه‌ای تشکیل خواهد شد.

رابین رایت، نویسنده این مطلب در نیویارک تایمز، در ابتدا از خاورمیانه به عنوان محور سیاسی و اقتصادی در نظم بین‌المللی یاد می‌کند و مدعی می‌شود که تحولات چند ساله اخیر، به ویژه جنگ داخلی سوریه و بهار عربی نقشه خاورمیانه مدرن را که یک قرن پیش توسط قدرت‌های استعمارگر اروپایی تعریف شده بود، به تلاطم کشانده است. وی عامل این تلاطم را قومیت‌ها، قبایل و اعتقادات گوناگون و رقیب با یکدیگر در منطقه خاورمیانه می‌داند که تبعات بهار عربی باعث پررنگ‌تر و قدرتمندتر شدن هرچه بیشتر آنها شده است.

رایت می‌نویسد: یک نقشه متفاوت برای خاورمیانه یک تغییردهنده بازی راهبردی خواهد بود که باعث تغییر ساختار ائتلاف‌ها، چالش‌های امنیتی، جریان‌های انرژی و تجارت در جهان می‌شود.

وی درخصوص سوریه که از نظر وی مرکز استراتژیک خاورمیانه، بازو و مکان محوری آن است، می‌نویسد: سوریه پس از ۳۰ ماه خونریزی شاهد است که تنوع قومی و مذهبی آن رنگ و بوی خون گرفته و به سه منطقه قابل شناسایی منشعب شده که هر کدام پرچم و نیروهای امنیتی خود را دارند. این سه منطقه عبارتند از: کردوری که از جنوب شروع شده و از دمشق، حمص و حما می‌گذارد و به ساحل مدیترانه در شمال می‌رسد که در کنترل علوی‌ها

بیشتر آنها شده است.

بیشتر آنها شده است.

بیشتر آنها شده است.

بیشتر آنها شده است.

بیشتر آنها شده است.

بیشتر آنها شده است.

بیشتر آنها شده است.

بیشتر آنها شده است.

بیشتر آنها شده است.

بیشتر آنها شده است.

بیشتر آنها شده است.

بیشتر آنها شده است.

بیشتر آنها شده است.

بیشتر آنها شده است.

بیشتر آنها شده است.

بیشتر آنها شده است.

بیشتر آنها شده است.

بیشتر آنها شده است.

بیشتر آنها شده است.

وی تصریح می‌کند: در بهار عربی، اعراب نه فقط خواهان ساقط کردن دیکتاتورها بودند بلکه خواهان از بین رفتن تمرکز قدرت به منظور بازتاب هویت‌های محلی و حقوق مربوط به منابع طبیعی نیز بودند.

در خصوص لیبی وی مدعی می‌شود: جنگ داخلی لیبی بازتاب تمایل بنغازی را برای جدا شدن از طرابلس بود چرا که قبایل آنها متفاوت است. طرابلسی‌ها نگاه به سمت مغرب یعنی جهان اسلام غربی دارند و سیرنایک‌ها (برقه) در بنغازی نگاه به مشرق یعنی جهان اسلام شرقی دارند. بدین ترتیب لیبی را می‌توان به دو و یا سه قسمت تقسیم کرد چرا که منطقه «فزان» در جنوب لیبی نیز دارای قبایل و هویت‌های جغرافیایی متفاوت است.

وی درباره یمن عنوان می‌کند: در این کشور که شورشیان شمال و جدایی طلبان در جنوب مدت‌هاست رقیب هم هستند اکنون موفقیت وابسته به پذیرش ایده فدراسیون و وعده رای‌گیری در جنوب به منظور جدا شدن از کشور شده است.

به گفته وی جدایی طلبان جنوب یمن با عربستان قرابت دارند و بسیاری از آنها در عربستان خویشاوند دارند و جدا شدن آنها هم به سعودی‌ها دسترسی به دریای عرب را برای تجارت فراهم می‌کند و هم جنوب یمن را که فقیر است از ثروت عربستان بهره‌مند می‌کند و بدین ترتیب یمن به یمن شمالی و جنوبی تقسیم خواهد شد.

در خصوص عربستان وی تصریح می‌کند: این کشور با اسلام وهابی سختگیرانه قبایل رقیب را به هم پیوند داده اما عربستان نیز به نوبه خود دستخوش فرهنگ‌های پراکنده، هویت‌های قبیله‌ای متمایز و تنش‌های میان اکثریت سنی و اقلیت شیعه است.

وی می‌نویسد: اختلافات اجتماعی به دلیل فساد شایع و بیکاری ۳۰ درصدی جوانان در عربستان در حال تعمیق است و این کشور احتمالاً در دو دهه آینده مجبور به واردات نفت خواهد شد. هم‌چنین خاندان سلطنتی این کشور نیز به سوی نسل جدید از حاکمان پیش می‌رود و در آینده باید از میان هزاران شاهزاده یک خاندان حاکم جدید ایجاد کند.

به گفته وی در منطقه تغییرات دوفاکتوری نیز ممکن است وجود داشته باشد، از جمله هویت‌هایی نظیر بغداد، مصرانه لیبی که به شدت مسلح است و مناطق همگن نظیر جبل‌الدروز در جنوب سوریه.

وی در پایان خاطرنشان می‌کند: یک قرن از زمانی که «سر مارک سایکس»، دیپلمات ماجراجوی انگلیسی و «فرانسوا ژرژ پیکو»، سفیر فرانسوی منطقه خاورمیانه را تکه تکه کردند، گذشته است. اکنون در خاورمیانه حس ملی‌گرایی در کشورهایی که در اصل با سلیقه امپراطوری‌ها و بازرگانان تعریف شده‌اند، ریشه دوانده است. مساله این است که آیا اکنون ملی‌گرایی قدرتمندتر از منابع قدیمی و پرسابقه هویت خواهد بود یا خیر.

بیشتر آنها شده است.

بیشتر آنها شده است.

بیشتر آنها شده است.

بیشتر آنها شده است.

بیشتر آنها شده است.

بیشتر آنها شده است.

بیشتر آنها شده است.

بیشتر آنها شده است.

بیشتر آنها شده است.

بیشتر آنها شده است.

بیشتر آنها شده است.

بیشتر آنها شده است.

بیشتر آنها شده است.

بیشتر آنها شده است.

بیشتر آنها شده است.

بیشتر آنها شده است.

بیشتر آنها شده است.

و گذار به سوی دموکراسی بیشتر بودند اما دخالت‌ها و کودتاهای نظامی مانع از تحقق این امر شد.

نخست‌وزیر ترکیه با اعلام بسته جدید دموکراتیک کشورش تلاش دارد تا اصلاحات سیاسی را اجرایی کرده و هدف از آن را «سود بردن کردها و سایر گروه‌های اقلیت» اعلام کرده است.

اردوغان در این بسته ۱۰ درصد لازم را که برای احزاب سیاسی لازم است تا بتوانند وارد پارلمان شوند، کاهش داد تا بدین وسیله احزاب کرد و سایر گروه‌های کوچک بتوانند وارد پارلمان شوند.

وی همچنین اعلام کرد که شهرها می‌توانند نام‌های کردی نیز به جای اسامی ترکی به خود بگیرند. همچنین اسم «دانشگاه نوشهر» به «حاجی بکتاش ولی» (از مرشدین بزرگ علویان ترکیه) تغییر داده شود.

اردوغان همچنین قول دارد اراضی مانستر را به سربانی‌های ترکیه بازگرداند.

لغو منع پوشیدن روسری

اردوغان همچنان در نظر دارد تا به منع پوشیدن روسری برای زنان در مکان‌های عمومی پایان دهد؛ درخواستی که هدف دیرینه حزب عدالت و توسعه وی است.

اردوغان در کنفرانس خبری خود گفت: قانون منع پوشیدن روسری در مکان‌های دولتی به جز برای قضات دادستان‌ها، افسران پولیس، اعضای ارتش اجرا خواهد شد که این طرح طبق بند نهم قانون اصلاحات است.

بیشتر آنها شده است.

بیشتر آنها شده است.

بیشتر آنها شده است.

بیشتر آنها شده است.

نخست‌وزیر ترکیه:

منع پوشیدن روسری لغو می‌شود



رجب طیب اردوغان با ارایه بسته پیشنهادی اصلاحات عنوان داشت که این طرح باعث افزایش سطح آزادی و دموکراسی در ترکیه می‌شود.

به گزارش شبکه اسکای نیوز غربی، رجب طیب اردوغان، نخست‌وزیر ترکیه در کنفرانس خبری خود تاکید کرد که امروز «لحظه‌ی تاریخی» برای ترکیه است و گامی بزرگ در زمینه افزایش آزادی‌های مدنی و سیاسی برداشته شد.

نخست‌وزیر ترکیه با تاکید بر اینکه بسته اصلاحات دموکراتیک وی باعث افزایش وحدت ملی می‌شود ادامه داد: پیشتر نیز چنین بسته‌هایی از سوی حاکمان وقت ترکیه ارائه شده بود همانگونه که کمال آتاترک، مؤسس ترکیه کنونی نیز اصلاحات زیادی در کشور انجام داد و در

بیشتر آنها شده است.

بیشتر آنها شده است.

بیشتر آنها شده است.

مهاجرت به بریتانیا و سازو کارِ تکرر در این کشور



**نویسنده: استیون ورتوک
برگردان: لایکا شریفی صادقی**

دانشجویان هندی از ۳۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹۸ به ۱۵۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۴ رسیده است. سومین فرستندهٔ دانشجویان به انگلستان، ایالات متحده با بیش از ۱۳۰۰۰ دانشجو در سال ۲۰۰۴ می‌باشد. همسران و اعضای خانواده: این دسته یکی از مهم‌ترین کانال‌های مهاجرت را تشکیل می‌دهد، هرچند که مهاجرت خانواده‌گی، از طاق‌فرستارترین و سخت‌ترین روش‌های ورود به انگلستان محسوب می‌شود. بین سال‌های ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۳ تعداد افرادی که از این طریق مهاجرت نمودند، بیش از دو برابر شده است. به علاوه، این کانال مهاجرت بیشتر مخصوص زنان می‌باشد. بعنوان مثال، از میان ۹۵۰۰۰ متقاضی پیوستن به اعضای خانواده، ۲۰.۶ درصد شوهران، ۴۰ درصد زنان و ۲۸.۸ درصد کودکان را شامل شده است. این روش مهاجرت انواع گوناگونی را در بر می‌گیرد، مانند: مهاجرت پیوستن به خانواده (آوردن اعضای خانواده درجه یک)، مهاجرت تشکیل خانواده (آوردن شریک ازدواج از کشور مبدأ)، مهاجرت ازدواج (آوردن شریک ازدواج در حالی که در خارج از کشور مبدأ با هم آشنا شده‌اند) و مهاجرت خانواده‌گی (وقتی تمام اعضای خانواده همزمان با هم مهاجرت میکنند). پناهجویان و پناهنده‌گان: در دههٔ ۱۹۹۰، تعداد پناهجویان در انگلستان و تمام اروپا افزایش چشم‌گیری پیدا کرد. درخواست‌ها از ۲۸۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹۳ به ۱۰۳۱۰۰ نفر در ۲۰۰۲ رسید، که به ترتیب شامل ۱۵.۶ و ۲۶.۵ درصد کل مهاجرت‌های غیربریتانیایی می‌شد (۱۷۹۲۰۰ در سال ۱۹۹۳ و ۴۱۸۲۰۰ در سال ۲۰۰۲). درخواست‌ها از آن به بعد رو به کاهش گذاشت، به طوری که در سال ۲۰۰۳ تعداد پناهجویان به ۶۰۰۴۵ نفر (۱۴.۶ درصد کل مهاجرین غیربریتانیایی) رسید. این نوع مهاجرت هم بسیار وابسته به جنسیت است. در سال ۲۰۰۳، ۶۹ درصد پناهجویان را مردان تشکیل می‌دادند. زادگاه پناهجویان، طیف وسیعی را در بر می‌گیرد. در سال ۲۰۰۳، ۲۰۰۳ افراد متقاضی از ۵۰ کشور مختلف آمده بودند که عمدهٔ آنان عبارت بودند از: ۱۰ درصد سومالیایی، ۸ درصد عراقی، ۷ درصد چینی، ۷ درصد زیمبابوئی و ۶ درصد ایرانی. البته در سال‌های بعد تعداد پناهجویان دچار نوسان فراوان شد. بسیاری از پناهجویان مدت‌های طولانی را در انتظار پاسخ و تصمیم‌گیری در موردشان سپری می‌کنند، خیلی از آنان پذیرفته نمی‌شوند و کشور را ترک می‌کنند، و برخی به عنوان مهاجر غیرقانونی همچنان در کشور باقی می‌مانند. تخمین زده می‌شود که به تنها ۲۸ درصد از متقاضیان پناهنده‌گی در انگلستان تمدید اقامت، محافظت بشردوستانه و یا اقسام دیگر اقامت اعطا می‌گردد. در مجموع تا پایان سال ۲۰۰۴، ۲۸۹۱۰۰ پناهنده در انگلستان وجود داشته است. مهاجرین غیرمعمولی، غیرقانونی و یا ثبت نشده: اسامی مختلفی به این گروه اطلاق می‌شود و در برگیرندهٔ افرادی است که اقامت آنان با ورود پنهان یا قاچاقی، اقامت طولانی‌تر از حد مجاز و یا با شکستن قوانین ویژه همراه باشد. این یک دسته‌بندی سیاه و سفید نیست و محدوده‌ی خاکستری از میزان نقض قانون را شامل می‌شود؛ شرایطی که شاید تنها نقض قوانین کوچکی را در بر می‌گیرد. اعلام تعداد افرادی که در این

دسته قرار می‌گیرند، بسیار مشکل است. بر اساس حدس‌های دفترخانه‌ها در سال ۲۰۰۵، بین ۳۱۰۰۰۰ تا ۵۷۰۰۰۰ مهاجر غیرقانونی در انگلستان وجود دارد. به علت عدم ثبت قانونی مشخصات آنان، مدارک کافی برای تعیین کشورهای مبدأ آنان در دست نیست. به هر صورت، موقعیت قانونی و اجتماعی آنان به گونه‌ی است که آنان را از کلیهٔ حقوق و مزایای شان محروم می‌کند. شهروندان جدید: بسیاری از مهاجرین پس از مدتی به شهروند کامل تبدیل می‌شوند. در دههٔ ۱۹۹۰، سالانه ۴۰۰۰۰ نفر شهروند می‌شدند. این مقدار از سال ۲۰۰۰ رشد بالایی پیدا کرد و در سال ۲۰۰۴ ۱۴۰۷۹۵ نفر رسید. بنا به آمارهای موجود، ۵۹ درصد جمعیتی که متولد خارج انگلستان هستند و بیش از ۵ سال در انگلستان زنده‌گی کرده‌اند، به شهروند تبدیل شده‌اند.

در پی فهمیدن ماهیت و سازوکار تکرر در بریتانیا، می‌بایست توجه ویژه‌ی به ساختار طبقه‌بندی شدهٔ حقوق، فرصت‌ها، محدودیت‌ها و امکان عضویت ناقص تا کامل افراد در جامعه که هم‌زمان با وجود چنین دسته‌بندی‌هایی برای مهاجرین وجود دارد، مبذول داشت. لیزا آرای در این باره می‌گوید: "مهاجرین، حتا با وضعیت اقامتی مشابه مثلاً دانشجویان، دارای انواع پیچیده‌ی از حقوق و مزایا می‌باشند و از طرفی انسجام و منطق خاصی حاکم بر سیستمی که به این صورت تشکیل شده نیست، تا با آن فشارهای موجود بر سر تسهیل دسترسی به خدمات را تعدیل کرد: فشارهایی مثل این‌که سرویس خاصی تنها مورد نیاز فرد یا افراد ویژه‌ی است یا برای کل جامعه مفید است، یا درخواست تأمین سرویسی برای صرفه‌جویی در منابع عمومی و یا آسوده کردن اذهان عمومی از هراس این‌که باعث جذب مهاجرین ناخواسته شود، لغو گردد. این یعنی نه تأمین‌کننده‌گان خدمات و مشاورین و نه خود مهاجرین برای‌شان روشن نیست که مستحق دریافت چه نوع خدماتی می‌باشند."

به علاوه، در میان یک گروه از مهاجرین که دارای نژاد و ملیت یک‌سان می‌باشند، ممکن است انواع مختلفی از وضعیت‌های اقامت و مهاجرت وجود داشته باشد. به عنوان مثال، در میان سومالیایی‌های انگلستان در هر محله‌ی، شهروند بریتانیایی، پناهنده، پناهجو، افراد دارای اجازهٔ اقامت معین، مهاجرین ثبت نشده و افرادی که در سایر کشورهای اروپایی متقاضی پناهنده‌گی می‌باشند و بر اثر آن به انگلستان آمده‌اند، وجود دارد. این واقعیت، گواهی بر این مدعاست که تنها در نظر داشتن مسألهٔ نژاد و ملیت برای درک جمعیت‌های مختلف اقلیت در بریتانیا، ناکافی بوده و بعضاً برای حل‌وفصل نیازهای مهاجرین و مسایل مربوط به شمول و حذف آنان در جامعه، کاملاً اشتباه است. وضعیت اقامت، نه تنها عامل مهمی در تعیین رابطهٔ فرد با دولت، منابع و سیستم قانونی آن، بازار کار و سایر ساختارهاست؛ بلکه کاتالیزور بارزومی در تشکیل سرمایهٔ اجتماعی و در عین حال مانعی بالقوه در برابر شکل‌گیری روابط و الزامات اجتماعی - اقتصادی و قومی محسوب می‌شود. بسیاری از وضعیت‌های مهاجرت، محدودیتی را برای مدت اقامت افراد در بریتانیا قایل می‌شوند. اکثر برنامه‌ها و سیاست‌های ادغامی، شامل افرادی که وضعیت‌های اقامت موقت دارند، نمی‌شوند. کارگران موقتی، مهاجرت ثبت‌نشده و پناهجویان تنها زمان کوتاهی را در مکان‌های خاصی سپری می‌کنند، یا به‌خاطر جست‌وجوی کار و یا به علت جابه‌جایی توسط کارفرمایان و یا مقاماتی مانند مرکز ملی حمایت از پناهجویان. این اقامت‌های کوتاه‌مدت، نه تنها مشکلاتی را برای خود آنان ایجاد می‌کند، بلکه برای مراکز محلی خدماتی مانند مدارس نیز مشکل‌آفرین می‌باشند.

منابع:

Vertovec, Steven (۲۰۰۷): Super-diversity and its implications, Ethnic and Racial Studies, ۳۰:۶. ۱۰۲۴-۱۰۵۴
http://www.mmg.mpg.de/typo/temp/pics/۹۲۰۳۶d۹۳۸.jpg



اندر فواید استفاده از دیگ مسی و کفگیر آهنی

معروف است که پزشکان به کسانی که از درد مفاصل رنج می‌برند، داشتن یک دست‌بند مسی را توصیه می‌کنند و دلیل این امر را هم کمبود یون‌های مسی در خون ذکر می‌کنند که با تماس دست‌بندهای مسی با پوست، بخشی از این کمبود جبران شده و از درد مفاصل کاسته می‌شود. از سوی دیگر، محققین یکی از علت‌های بروز بیماری آلزایمر را رسوب یون‌های آلومینیوم در مغز عنوان می‌کنند.

تا چند دهه پیش، مردم ما رسم داشتند برای پخت غذا مخصوصاً خورش و آش، از دیگ‌های مسی استفاده می‌کردند و یک کفگیر آهنی هم داشتند که موقع پخت غذا دایم درون آن قرار می‌گرفت.

اما هیچ‌کس نمی‌دانست چرا باید این کفگیر درون قابلمهٔ مسی قرار بگیرد، فقط می‌دانستند برای پخت غذا خیلی لازم است. داستان از این قرار است که بدن (مخصوصاً مغز) برای سلامت و نشاط و کنترل اسیدلاکتیک و کورتیزول، به ۶ میلیارد یون مس نیاز دارد و به همین نسبت، به یون آهن.

کمبود یون مس باعث می‌شود شما دایم احساس رخوت و خواب‌آلودگی و کسالت کنید و مدام فازه بکشید. در ضمن هیچ کارخانهٔ دارویی نمی‌تواند از یون یک عنصر برای شما دوا تهیه کند، و آن چیزی هم که به‌نام تابلیت آهن به خورد شما می‌دهند، شامل مولکول آهن هست که برای بدن هیچ کاربردی ندارد.

ولی تا این‌جا بدانید که غذا موقع پخت در درون دیگ مسی، از یون آزاد شدهٔ این ظرف استفاده می‌کند و در بدن شما فوق‌العاده احساس نشاط و انرژی ایجاد می‌کند، دیگر از آن خمیازه کشیدن و کسالت خبری نیست و باعث طول عمر مفید و سلامتی جسم می‌شود.

مردم خبر ندارند که همین یون‌های مضر در این ظروف، عامل سرطان هستند و یون سرب و آلومینیوم و ... به‌راحتی می‌توانند درجا یک کودک شش‌ماهه را ظرف یک سال به بیماری‌های کمبود خونی و سرطان، و یک فرد بزرگسال را در طی ۵ سال به بیماری‌های کبدی و خونی و طحال دچار کند و بعدش هم سرطان!

ولی به‌تدریج دیگ‌های مسی و کفگیرهای آهنی از دور خارج شدند و مردم آن‌ها را به یک قیمت نازل فروختند و به‌جای آن‌ها دیگ آلومینیومی خریدند. اما هیچ‌کس نفهمید این‌همه دیگ مسی کجا قرار است برود؟

بعدتر هم که ظرف‌های استیل و تفلون و دیگر مزخرفات آمد که همه مدعی هستند غذا در

آن زودتر می‌پزد و به تهٔ دیگ نمی‌چسبند. ولی مردم ما خبر ندارند که همین یون‌های مضر در این ظروف، عامل سرطان هستند و یون سرب و آلومینیوم و ... به‌راحتی می‌توانند درجا یک کودک شش‌ماهه را ظرف یک سال به بیماری‌های کمبود خونی و سرطان، و یک فرد بزرگسال را در طی ۵ سال به بیماری‌های کبدی و خونی و طحال دچار کند و بعدش هم سرطان.

بنابراین، به همه پیشنهاد می‌شود که برای پخت غذا (مخصوصاً غذاهای آبکی) از دیگ مسی و کفگیر آهنی استفاده کنند. حداقل برای یک بار هم شده، در عرض سه روز، اثر آن را روی بدن خودتان ببینید.

سیف‌الله مستنیر

بخش دوم و پایانی

بشیر احمد انصاری دیدگاه فقهی حزب‌التحریر را در مورد انتخاب خلیفه را مورد انتقاد قرار می‌دهد و این برایش موضوع لاینحل است که چطور می‌توان مشکلات جهان اسلام را از طنجه تا جاکارتا توسط خلیفه ای حل گردد که حتی از دید فقهی پنج تن او را بر کرسی خلافت جهان اسلام می‌تواند بنشانند. اما این را فراموش کرده، که در جریان بیعت هر سه خلیفه اول تنها توسط اهل حل والعقد (متفدین و اهل قدرت) مدینه خلافت منعقد گردید و سایر قلمروها با آنان بیعت اطاعت را انجام دادند. حضرت علی کرم الله وجهه تنها از اهل مدینه و کوفه بیعت انعقاد را گرفت، سپس در اکثر اقالیم با او بیعت اطاعت کرده شد. و کسانی که از بیعت اطاعت سرپیچی کرد، با او جنگ را جایز دانست.

بشیر احمد انصاری با نکاتی تماس گرفته که حزب التحریر در آن موارد کتاب‌ها را به نشر رسانده است. وی بخشی از نص را بدون مراعات سیاق تاریخی موضوعات قبلی و بعدی برای استدلال انتخاب می‌کند، وی هم یک جمله را از کتب حزب طوری انتخاب کرده است، که هدف نوشته‌اش برآورده سازد و دیگران را در تشویش بیندازد. در حالی که در همین مورد یک کتب به‌نام خلافت و فصل اول جلد دوم کتاب شخصیت اسلامی بحث‌های تفصیلی داشته، که تمام آن مستند بر کتاب الله و سنت رسول الله، اجماع اصحاب و قیاس شرعی استدلال گردیده است.

وی برای تعبیر ادبیات حزب‌التحریر زبان حال را استفاده کرده است. درحالی‌که کتب حزب التحریر حاوی افکار و احکام اسلامی است و تشخیص آن هم توسط زبان حال نه، بلکه زبان قرآن و سنت و اصول و اصطلاحات فقه دانسته می‌شود.

خویش بصورت مستقیم ریس جمهور شان را انتخاب می‌کنند، اما در میدان عمل در پروسه های انتخاباتی تقلب ها و معاملات زیادی در عقب پرده صورت میگیرد که مردم از آن ها آگاه نمی‌شوند. و در سیستم اسلامی حتی در زمان خلفای راشدین نیز استفاده جوی های از مقام والیان نیز روایت شده است. و تاریخ بیشتر به این جنبه ها پرداخته و به عملکرد متولیان امور توجه کرده و روایت های را از آن ها نقل می‌کند. مسله ای دیگر ساختار ها و میکانیزم هاست که دولت براساس آن ها به تنظیم امور جامعه می‌پردازد. برخلاف آن چه آقای انصاری گفته، اسلام میکانیزم دقیق برای مهار کردن سوء استفاده قدرت از جانب خلیفه وضع کرده است. این میکانیزم در دو ساختار تمثیل یافته است که شامل مجلس امت و محکمه مظالم می‌باشد. طوری که مجلس امت منحیت ارگان مشوره دهنده، مشوره های امت را از طریق نماینده های امت به سمع خلیفه می‌رساند و محکمه مظالم مسایلی مربوط به ظلم، بی عدالتی و استفاده جوی خلیفه از قدرت را مورد بررسی قرار می‌دهد. و همچنان محکمه مظالم مسول بررسی توانای های فکری و جسمی خلیفه است که در صورت عجز از پیشبرد امور، خلیفه ای جدید به رضایت امت تعیین شود. اگر سوالی ایجاد شود این که در صورتی که محکمه مظالم به دلایل مختلف وظیفه اش را انجام ندهد چه راهی را اسلام برای حل این مشکل وضع کرده است؟ الله متعال محاسبه حکام را بالای امت اسلامی فرض ساخته است یعنی اگر این ارگان ها مطابق شرع وظایف شان را انجام ندهند برای امت اسلامی فرض است تا برای اصلاح یا تغییر آن ها اقدام کنند. به این شکل اسلام از یک طرف میکانیزمی را که در قالب ارگان ها است برای مهار استفاده جوی از قدرت وضع کرده و از جانب دیگر مسلمانان را به صورت کلی به نظارت عملکرد خلیفه و کارگزاران اش را واجب ساخته است.

از جانب دیگر آقای انصاری نگرانی شخصی اش را نسبت به

حقیقت حزب‌التحریر و نیم‌نگاه انصاری!

(یادداشت ماندگار: نوشته‌یی که در زیر می‌بینید، پاسخ و واکنشی‌ست به مقالهٔ "نیم‌نگاهی به حزب‌التحریر" نوشتهٔ استاد خواجه بشیراحمد انصاری که چندی پیش در همین صفحه از روزنامهٔ ماندگار به نشر رسید. بدیهی‌ست ادارهٔ ماندگار هیچ نوع تعلق خاطر به حزب تحریر ندارد، اما از آن‌جایی که دفاع از آزادی بیان را رسالت خویش می‌داند، این نوشته را نیز بدون هیچ دخل و تصرف و ویرایش و پیرایشی به نشر می‌سپارد، ضمن آن‌که باور دارد نشر این مطلب کمک می‌کند که آقای انصاری مقالهٔ بعدی‌اش را در این‌باره مستدل‌تر و مقنع‌تر ترتیب سازد.)



حکم شرعی اولویت داده است. طوری که وی با استدلال از حوادث تاریخی چنین نتیجه گرفته است که عدم تعیین مدت مشخص برای خلیفه سبب ایجاد ظلم و... شده و برای رفع این نگرانی اش پیشنهاد محدود کردن مدت خلافت را نموده است. در حالی که این پیشنهاد وی با اجماع اصحاب رضی الله عنهم در تناقض قرار دارد. مشکل بسیاری از نویسندگان و از جمله بشیر احمد انصاری، که ساختار خلافت اسلامی را تجربه بشری می‌خواند و نسبت به اساسات آن از دیدگاه وحی نمی‌بیند، این است که اهمیت اجماع اصحاب رضی الله عنهم را از دیدگاه شرعی عمیقا نمی‌شناسد. او و امثال اش فکر می‌کنند که آن چه اصحاب رضی الله عنهم برآن اجماع کرده اند تجربه ای بوده است که به اوضاع و شرایط آن زمان همخوانی داشته اما در زمان ما هیچ نوع کاربردی ندارد. چنانچه وی در قسمتی از مقاله اش موضوع تعیین نکردن وقت برای مدت خلافت را که براساس اجماع اصحاب رضی الله عنهم استوار است زیر سوال برده و آن را تجربه بشری خوانده است: در دموکراسی‌های نوین مدت محدودی را برای رهبران کشورها در نظر گرفته‌اند، ولی در نظام خلافت این مدت تا مرگ خلیفه ادامه می‌یابد که این حکم با اوضاع و شرایط دشوار آن دوران همخوانی داشت؛

امثال آن در قرن بیست‌ویکم، خیلی مضحک به نظر می‌آید... که اگر عملی شود، به استبداد و خودکامه‌گی خواهد انجامید؛ استبدادی که با دین جور نمی‌آید. آقای نویسنده با وجود فقر دانش فقهی اش در جزئیات رفته و از سیستم وزاری نظام خلافت انتقاد کرده که به تعبیر خودش ثوابت و میکانیزم سیاسی، که در آن هم مطلقا اصطلاحاتی را یادآوری کرده که از فرهنگ غرب نشأت کرده است. مثلا عدالت و مساوات مگر موارد دیگر هم که یاد کرده کاملا خودش بر اساس تعبیر غربی که از آن دارد، مفکوره های اسلامی برایش کهنه معلوم شده است. این عملش هم ناشی از عدم آگاهی فقهی در عرصه سیاست است. به جزئیاتش نمی‌پردازم، زیرا کتاب جهاز‌های اداری دولت خلافت به جزء-جزء آن پرداخته است.

گذشته از این وی در اثر عدم درک عمیق از مفهوم دیموکراسی، راه حل را در نظام کفّری دیموکراسی می‌داند و به تعبیر نادرست دیموکراسی را روش اداره و دولت خوانده و آن را مخالف اسلام نمی‌داند. بلی ممکن است که میان دیموکراسی و خلافت در بعضی از بخش ها مشابهت های باشد مثل این که خلیفه به رضایت امت در خلافت تعیین می‌شود به همین شکل در دیموکراسی نیز حکام بر اساس رضایت مردم تعیین می‌شود اما در اساسات اسلام و دیموکراسی متناقض همدیگر هستند. زیرا در دیموکراسی قانون بر اساس رای اکثریت ساخته می‌شود از این لحاظ ارگان تقنینی پارلمان در دیموکراسی از جمله قوه های اساسی است که بدون آن اصلا دولت بوجود آمده نمی‌تواند اما در اسلام قانون عبارت از اوامر و نواهی الله متعال است که از منابع شرعی قرآن، سنت، اجماع و قیاس استنباط میشود. بسیاری از نویسندگانی مسلمان که به توجیه دیموکراسی پرداخته اند شخصا تعریفی از دیموکراسی تراشیده اند در حالی که دیموکراسی مفکرین و اندیشمندانی مشخصی دارد که نظریات آن ها اساس قضاوت در مورد دیموکراسی است نه توجیهاتی به آن برچسپ می‌زنند.

نویسنده در بخش دگر مقاله اش چنین نوشته است: «در عصر پیچیده‌یی که ما زنده‌گی می‌کنیم، چه‌طور می‌شود خطیب مسجدی بیاید و برنامهٔ سیاسی یک حزب را پی‌ریزی نماید و یک قاضی محکمه بیاید و استراتژی اقتصادی حال و آیندهٔ جهان اسلام را با تمام پیچیده‌گی‌هایش از طنجه تا جاکارتا تنظیم نماید و شاعری آمده و استراتژی جنگی مسلمانان را طرح نماید و سپس یک حزب این طرح‌ها را برای تمامی جهان اسلام مناسب بداند.»

آقای نویسنده! تقاضای اسلام و مسلمانان همین است که علمای امت اسلامی قافله سالار جریانات بیداری و نهضت امت اسلامی باشند نه غرب زده های که مروج مفکوره های ژانژاژک روسو و مونتسکو باشند. چه مشکلی دارد که عالم آگاه و فقیه که در عین حال خطیب مسجد باشد برای بیداری امت اسلامی برنامه سیاسی مطابق سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم پی‌ریزی نماید!! آیا تحصیل کرده های دانشگاه ای آکسفورد لندن و متاثرین ثقافت غربی به جای آن ها چنین وظیفه را دارند؟ تقی الدین نهبانی رحمه الله با علمای همکارش در ایجاد منهج حزب التحریر مطابق نصوص اسلامی فعالیت ارزشمندی را انجام داده اند. آن ها با مطالعه نصوص شرعی نظام های اسلامی را در کتاب های مختلف برای سهولت درک و فهم امت تهیه نموده اند که از جمله کتاب نظام حکومت داری در اسلام، جهاز های حکومت داری در اسلام، نظام اجتماعی در اسلام، نظام عقوبات، نظام اقتصادی در اسلام و ده ها جلد کتاب های دگر می‌باشند.

سپس با تعبیر خودش از موقف های سیاسی حزب التحریر در مورد طالبان و مقاومت اسلامی علیه صهیونیست ها انتقاد کرده است. و با این گفته اش که حزب التحریر طالبان را مجاهد و حماس را نکوهش نموده است، کوشش نموده احساسات نامشروع ملی مردم را علیه حزب التحریر به حرکت آورده و وحدت امت را به باد انتقاد بگیرد. درحالی‌که جنگ علیه اشغال چه بواسطه حماس، طالب و یا هر گروهی انجام شود منحنیت دفاع مشروع به حساب می‌آید. اما حزب التحریر این گروه ها را در برابر اشتباهاتی که در میدان سیاسی با دولت های غربی مرتکب می‌شوند، همیشه نصیحت کرده چنانچه از پیوستن حماس به پروسه سیاسی غربی انقاد کرده و وی را نصیحت نمود و اشتراک حماس را انتحار سیاسی نامیده بود.

نویسنده در بخشی از مقاله اش تفرقه پراکنی را چنین ادامه داده است: تناقض دیگر این گروه، سر دادن شعارهای گرم وحدت اسلامی است، ولی در عمل بیشتر از همه با اسلام‌گرایانی که در ظاهر از جنس خودشان بوده‌اند، مخالفت شدیدی داشته‌اند... حزب التحریر وحدت اسلامی را شعار می‌دهد اما درین اواخر دوشخصیت اسلامی هریک محمد مرسی و راشد الغنوشی را مورد تیغه نشرات خود ساخته است.

حزب التحریر وحدت امت اسلامی را در محور تشکیل خلافت اسلامی می‌داند و هر نوع تفاهم و توافقی را که منجر به حفظ مرز های کنونی سرزمین های اسلامی و ادامه واقعیت های سیاسی کنونی در واقع به معنی تقویت نفاق و تفرقه می‌داند. از این لحاظ کار برای وحدت اسلامی به معنی مخالفت نکردن با حکامی مثل مرسی و غنوشی نیست زیرا آن ها حکامی اند که با پذیرش نظام دیموکراسی اما با شعار های اسلامی و تطبیق شریعت به قدرت رسیده و بسیاری از امت اسلامی را با این عملکرد شان گمراه کرده اند. حتی غنوشی در یکی از سخنرانی های ویدیوی اش از سکولریزم دفاع کرده و فکر خلافت خواهی یک فکر کهنه خوانده است.

حزب التحریر مخالفت اش را با حکام مثل مرسی و غنوشی به عنوان افراد که در احزاب مشخص... ادامه صفحه ۷

۲۸ فرمانده ارشد طالبان پس از رهایی از زندان به جنگ برگشته‌اند

ولی آراین

غرب طالبان گماشته شده است.

ملا محمود بارکزی، تورخالد، ملاسراج الدین، ملاظریف بارکزی، اسدالله بارکزی، مولوی غلام محمد بادغیسی از چهره‌های مهم طالبان بودند که در حال حاضر پس از رهایی از زندان فرماندهان ارشد جنگی این گروه در کندهار، مارجه و ناوه هلمند و نیز در بادغیس هستند.

بسیاری از این چهره‌ها، از زندان‌های بگرام و پلچرخ رها شده‌اند.

غلام فاروق بارکزی فرمانده پولیس نظامی و رئیس زندان بگرام می‌گوید: «اکثریت قاطع آن‌ها به مخالفان مسلح دولت در میدان‌های جنگ برگشته‌اند؛ در مناطق شان مصروف کار هستند، اما اقلیت آن‌ها بعید نیست که نپیوسته باشند، اما آمار دقیق آن به ما معلوم نیست.»

ملا عبدالرزاق اچکزی، مولوی سلیمان رئیس پیشین اداره امور طالبان، داوود جلالی، منصوردادالله، مولوی نورالدین ترابی از افراد بسیار نزدیک به ملاعمر، مولوی عبدالسلام سمنگانی، کریم آغا، ملا عبدالرحیم از فرماندهان ارشد پیشین طالبان در بغلان و مولوی صدر ابراهیم الکوزی کسانی هستند که به درخواست شورای عالی صلح از بند رها شده‌اند و هم‌اکنون از چهره‌های جنگی و اعضای برجسته و فعال شورای کویته و شورای پشاور هستند.

انوارالحق مجاهد پسر مولوی یونس خالص که پس از رهایی از بند پاکستان جریان تازه مستقل را در میان طالبان ساخته است می‌خواهد با حزب اسلامی نیز همکاری شود و نصرالدین حقانی برادر سراج الدین حقانی پس از آزاد شدن از زندان به حیث مسوول اکملاتی شبکه حقانی گماشته شده است.

در سه سال اخیر بیست و هشت تن از فرماندهان ارشد گروه طالبان، پس از رهایی از بند به میدان‌های نبرد برگشته‌اند.

یک گزارش پژوهشی تلویزیون یک، نشان می‌دهد که بسیاری از این فرماندهان طالبان، هم اکنون نبرد را در جنوب و غرب کشور، رهبری می‌کنند.

مولوی صدرابراهیم الکوزی هم مشمول این افراد است. کسی که به درخواست شورای عالی صلح از بند پاکستان رها شد و در حال حاضر، کمیته نظامی طالبان را سرپرستی می‌کند و هماهنگ‌کننده فعالیت‌های طالبان نیز است.

صلح با طالبان، ظاهراً دریچه‌ی را برای رهایی زندانیان طالب گشوده است.

از یک سو چهره‌های برجسته جنگی طالبان در میدان‌های نبرد بازداشت می‌شوند، از سوی دیگر، دریچه‌ی برای رهایی آنان گشوده می‌شود.

در این گزارش دریافته شده که در سه سال اخیر بیست و هشت تن از فرماندهان ارشد گروه طالبان پس از رهایی از بند به میدان‌های نبرد برگشته‌اند.

چهره‌های بسیار نزدیک به ملاعمر رهبر گروه طالبان چون دکتر عبدالواسع پوپلزی که خودش را به جای ملا برادر معاون گروه طالبان می‌داند و باری گل فرمانده پیشین محافظتی ملاعمر نیز دیده می‌شوند.

ملاسخی داد، ملا باری گل از افراد بسیار نزدیک ملاعمر، ملا اختر محمد نوروزی فرمانده جنگی طالبان و مولوی عبدالسلام، پس از رهایی از زندان هم اکنون اعضای برجسته و فعال شورای کویته هستند.

مولوی عبدالروف مخلص پس از رهایی از زندان پلچرخ به حیث معاون حوزه عمومی جنوب -

نامنی در شماری از...

افغانستان در گرو برگزاری یک انتخابات شفاف و عادلانه است؛ بنابراین وظیفه نیروهای امنیتی و جامعه بین‌المللی است تا امنیت را در سراسر افغانستان برای برگزاری انتخابات تامین کنند.

سخنگوی ائتلاف ملی افزود، اما اگر انتخابات برگزار نشود، افغانستان یکبار دیگر به نقطه صفر برخواهد گشت و وضعیت دچار بحران شدیدی خواهد شد.

در همین حال، دکتر محی‌الدین مهدی عضو مجلس نماینده‌گان می‌گوید، با توجه به این که در ماه‌ها و روزهای قبل به حکومت و مخصوصاً ارگان‌های امنیتی هشدار داده شده بود که ولسوالی‌های هم مرز ولایت بدخشان با پاکستان با تهدید مواجه است؛ اما ارگان‌های امنیتی هیچ اقدامی در این زمینه انجام ندادند؛ بنابراین می‌توان گفت که این نا امنی‌ها عمدی است و می‌تواند به انتخابات ارتباط داشته باشد.

به گفته دکتر مهدی، متأسفانه کمیسیون انتخابات کمیسیون یک جانبه است و از همان آغازین روزهای کاری‌اش از سوی نهاد فیفا مورد اتهام قرار گرفت و از سوی دیگر کمیسیون شکایات انتخاباتی نیز

کمیسیون یک جانبه است؛ با توجه به این موارد بعید به نظر می‌رسد که مردم افغانستان شاهد برگزاری یک انتخابات شفاف باشند.

این عضو مجلس تاکید کرد، اما نباید فراموش کرد که انتخابات گزینشی نیست که جاگزین داشت باشد؛ بنابراین باید تصور عدم برگزاری انتخابات را از سر بیرون کرد.

او افزود، هدف کنفرانس بن حکومت گزینشی براساس انتخابات بود؛ بنابراین اگر انتخابات را حذف کنیم، یک عقب‌گرد خواهد بود به سال‌های قبل از ۲۰۰۱ و مشکلاتی که در آن زمان وجود داشت، پس برای اینکه چالش‌های سال‌های قبل از ۲۰۰۱ تکرار نشود، انتخابات باید برگزار شود.

این در حالی است که وزارت داخله گفته که حدود نیمی از مراکز انتخاباتی در افغانستان با تهدیدهای زیاد، متوسط و کم امنیتی روبرو هستند.

مقامات وزارت داخله اعلان کرده‌اند که برای تامین امنیت انتخابات تمام سرمایه‌گذاری‌هایی که نیاز است یا هر آنچه که در اختیار دارند را به خرج خواهند داد تا یک انتخابات سراسری برگزار شود.

به گفته وزارت داخله، تلاش‌ها برای تامین امنیت

این افراد از زندان‌های پاکستان رها شده‌اند. اداره امنیت ملی افغانستان هم برگشت بسیاری از زندانیان طالبان را به میدان‌های نبرد تایید می‌کند. در هژده ماه گذشته حکومت افغانستان، به گونه دوامدار دوهزارونه صدوچهل تن را پس از محکمه از زندان بگرام آزاد ساخته است.

دو هزار و پنجاه و بیست و یک تن هنوز هم در زندان‌های بگرام و پلچرخ از سوی ارتش ملی نگهداری می‌شوند.

چرا این زندانیان رها می‌شوند؟

بصیر عزیز سخنگوی دادستانی کل گفت: «هیچ تفاوتی میان زندانیان بگرام و دیگر مجرمین در افغانستان وجود ندارد. زندانیان بگرام هم می‌توانند وکیل بگیرند و اگر کدام شواهدی وجود نداشته باشد رها می‌شوند.»

بریتانیایی‌ها هم یک صد و دوتن از زندانیان افغان را به حکومت افغانستان در زندان بگرام سپرده‌اند؛ اما تا اکنون از سرنوشت پرونده‌های این زندانیان خبری نیست.

بسیاری از این افراد، با پا درمیانی‌ها از بند رها شده‌اند.

حکومت هنوز هم می‌خواهد که این زندانیان رها شود، کاری که هم اکنون در زندان بگرام جریان دارد.

این در حالی است که دامنه جنگ در کشور گسترش یافته است و همه روزه این نبرد از نظامیان و غیرنظامیان افغان قربانی می‌گیرد.

ملا عبدالغنی برادر فرد شماره دوم گروه طالبان را هم اسلام آباد به خواست کابل از بند رها ساخت، هنوز روشن نیست که این مقام طالبان در روند صلح همکاری خواهد کرد و یا همانند دیگر فرماندهان طالبان به میدان جنگ برخواهد گشت.

تمام مراکزی که در مناطق ناامن موقعیت دارند، آغاز شده و ۲۵۹ مرکزی که سه ماه پیش برای کمیسیون گفته شده بود که در این مناطق پرونده‌های انتخاباتی را پیش ببرند،... تا روز انتخابات تهدیدات در این مراکز را به سطح متوسط یا پایین آورده شود.

وزارت داخله افغانستان به مردم اطمینان داده که تمرکز بیش از حد بر امنیت انتخابات صورت گرفته و با عملی شدن برنامه‌های امنیتی، تا شش ماه آینده تهدیدها در برابر انتخابات کاهش خواهد یافت.

این سخنان در حالی ابراز می‌شود که در یک ماه اخیر رئیس محلی کمیسیون انتخابات در کندز کشته شد و دو تن از کارمندان این کمیسیون در ولایت فاریاب از سوی طالبان گروگان گرفته شد.

در همین حال، مسوولان کمیسیون مستقل انتخابات گفته‌اند که به دلیل تهدیدهای امنیتی این کمیسیون نتوانسته در ۹ ولسوالی افغانستان، مراکز ثبت نام رای دهندگان را فعال کند.

این کمیسیون بارها تاکید کرده که برگزاری انتخابات شفاف، مستقیماً به امنیت بستگی دارد و در صورتی که ناظران انتخاباتی به مناطق ناامن نروند، شفافیت انتخابات خدشه دار خواهد شد.

برگزاری فاتحه‌خوانی...

در دسامبر ۱۹۷۹ برقرار بود به کشتن هزاران نفر از مخالفان در عرض چندین ماه متهم است.

مقامات هالندی اواسط سپتمبر در چارچوب تحقیقی درباره جنایات جنگی به وقوع پیوسته در این دوره در افغانستان فهرستی مرکب از اسامی ۵۰۰۰ نفر را که بین سال‌های ۱۹۷۸ و ۱۹۷۹ اعدام شده‌اند منتشر کردند.

این فهرست به شمار زیادی از افغان‌ها امکان داد از آنچه بر سر بستگان ناپدیدان آمده است، آگاه شوند.

یکشنبه در کابل، صدها نفر درحالی که شمع روشن کرده بودند و تصاویر قربانیان را در دست داشتند در نزدیکی خرابه‌های دارالامان، اقامتگاه امان الله، شاه افغانستان در سال ۱۹۲۰، تجمع کردند.

شب هنگام آنان کلمه عدالت را به زبان دری با کنار گذاشتن شمع‌ها، درست کردند.

سید علی شاه مردی ۵۸ ساله که برادر او به دست رژیم کمونیستی به قتل رسیده است گفت: «این شکلی از اعتراض به قتل‌هایی است که به وقوع پیوسته است.»

مهوش رستمی زن ۴۳ ساله‌ی که عکس برادرش را در دست داشت گفت: «کسانی که مسبب این جنایات هستند باید به دادگاه معرفی شوند.»

وی گفت: «این برادر من است، او استاد علوم بود. اسم او در این فهرست قرار دارد.»

اشرف غنی...

است، من قصد دارم تا در انتخابات ریاست جمهوری سال آینده رقابت کنم.

آقای احمدزی که پیش از این کارشناس بانک جهانی نیز بوده است خبر مربوط به شرکت در انتخابات اپریل ۲۰۱۴ میلادی برای انتخاب جایگزین حامد کرزی رئیس جمهور افغانستان را تایید کرده است.

آقای احمدزی به همین منظور از کمیسیون انتقال مسوولیت‌های امنیتی از نیروهای خارجی به نیروهای داخلی افغانستان استعفا کرده است.

وی در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۹ میلادی تنها ۳ درصد آرا را به دست آورد و در جایگاه چهارم قرار گرفت. او پیش از پیوستن به بانک جهانی در دانشگاه‌های کلمبیا، برکلی و جان هاپکینز آمریکا تدریس داشته است. وی در سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۴ میلادی وزیر مالیه افغانستان بوده است.

اشرف غنی احمدزی در سال ۱۹۴۹ میلادی در ولایت لوگر در نزدیکی کابل به دنیا آمده است.

ارتش پاکستان جلو...

دهشت افگنی

پیش از نشست من موهن سنگه، صدراعظم هند با همتای پاکستانی اش در حاشیه اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویارک، آقای سنگه پاکستان را «مرکز فعالیت‌های دهشت افگنی» خطاب کرد.

وزیر خارجه هند با تایید این اظهارات آقای سنگه آنرا «ناراضی‌ت مشروح» نامید.

حکومت هند گروه‌های افراطی مستقر در پاکستان را مسوول ترویج دهشت افگنی در منطقه می‌داند.

آقای خورشید گفت «ما توقع داریم که دولت پاکستان جلو گروه‌های دهشت افگن غیردولتی را بگیرد، البته اگر آنها غیردولتی باشند.»

وزیر خارجه هند همچنان گفت، اگر دولت پاکستان توانایی مبارزه با گروه‌های دهشت افگن را ندارد از هند کمک و همکاری بطلد.

مقام‌های پاکستانی همواره بر مبارزه‌ای بی‌امان بر ضد سازمان‌های دهشت افگن تاکید ورزیده‌اند. مقام‌های پاکستانی همچنان گفته‌اند کشورشان بیشترین قربانی را در راه مبارزه با دهشت افگنی، متقبل شده است.

میلادی مورد امضای طرف‌های آمریکایی و افغان قرار بگیرد به عنوان تاریخ هدف برای امضای معاهده امنیتی پس از ۲۰۱۴ می‌داند؛ چارچوب زمانی که توصیف فرماندهان آمریکایی به عنوان برنامه‌ای برای خروج گسترده نیروها و بازگرداندن تجهیزات به آمریکا محسوب می‌شود.

معاون وزیر دفاع آمریکا در ادامه گفت: مذاکرات میان دو طرف همچنان در حال انجام است و البته مواردی حل نشدنی در این مذاکرات باقی مانده‌اند.

این مقام مسوول آمریکایی به جزئیات این مسائل حل نشده اشاره‌ای نکرد و تنها گفت که امیدوار است این موانع نیز رفع شوند.

تا به برنامه‌ریزی در مورد حضور نیروها در افغانستان و روند آتی در این کشور بپردازند.

معاون وزیر امور دفاع آمریکا افزود: در صورتی که هر چه سریعتر این توافقنامه امضا نشود ما با یک بحران روبرو می‌شویم چرا که اکثر افغان‌ها تمایل دارند تا نیروهای ائتلاف ناتو به فعالیت خود برای تقویت نیروهای افغانستان و بهبود شرایط زندگی در این کشور ادامه دهند. اظهارات اش کارتر بازتابی از ناشکیبایی گسترده واشنگتن در مورد حضور نیروهای آمریکایی در افغانستان پس از خروج نیروهای خارجی از این کشور در ۲۰۱۴ میلادی است.

کارتر در ادامه گفت: دولت ایالات متحده همچنان توافقنامه‌ی را که قرار است در ماه اکتبر سال جاری

این در حالی است که معاون هاگل نیز عدم دستیابی افغانستان و آمریکا به نهایی کردن توافقنامه امنیتی را یک تراژدی دانسته است.

اش کارتر، معاون هاگل گفت که به رهبران کابل در جریان ملاقات اوایل ماه جاری میلادی خود گفته که باراک اوباما، رئیس‌جمهوری آمریکا خواستار امضای توافقنامه امنیتی دو جانبه میان کابل و واشنگتن برای تامین امنیت و ایجاد اطمینان برای فرماندهان نظامی آمریکاست و این اقدام باید هر چه سریعتر صورت گیرد.

کارتر در مصاحبه‌ی با شبکه‌های خبری افزود: ضرورت دارد که این معاهده هر چه سریعتر امضا شود چرا که ما را قادر می‌سازد تا سریعتر برنامه‌ریزی کنیم. امضای این توافقنامه به متحدان و شرکای ما نیز این امکان را می‌دهد

آزادی بیان با تهدید...

گفته او، برخی از حلقات در دولت در صد اعمال سانسور و فشار به رسانه‌ها هستند. او می‌گوید که نخستین گام در راستای اعمال محدودیت و سانسور از مجلس نماینده‌گان آغاز شده است، منظور مبارز تصمیم اخیر مجلس در مورد قانون رسانه های همگانی و سپردن ریاست کمیسیون رسیدگی به تخطی های رسانه ای به وزیر اطلاعات و فرهنگ است.

برگزاری نخستین مجمع عمومی اتحادیه روز گذشته ده ها خبرنگار حداقل از بیست ولایت در کابل گردهم آمدند و در نخستین مجمع عمومی اتحادیه ملی ژورنالیستان افغانستان شرکت کردند.

تصحیح:

د ماندگار ورځپاڼې د دوشنبې ورځ ((د تلې ۸ مه)) په خپره شوې گڼه کې د ((په بدخشان کې د دفاع او کورنیو چارو وزارتونو ناغبري کړې)) تر عنوان لاندې رپوټ کې د ولسي جرگې د غړي نیلو فر ابراهيمي له قوله په تېروتنې سره ((د المان شپږ تنه اتباع په ۱۳۸۵ کال کې وتښتول شول)) پر ځای ((د ولسي جرگې شپږ تنه وکیلان وتښتول شول)) راغلي، چې ناسم. هیله ده لوستونکي یې الماني اتباع ولولي.

په هرات کې د پنځوسو...

ښاغلی سلجوقي زیاتوي، همدا لامل و چې د شکایت کوونکیو زندانیانو شمېر زیاتېده او بلاخره یې په اعتراض لاس پورې کړ او د زندان دروازې یې وتړلې.

نوموړی وايي، په پیل کې د دې اعتراض کوونکیو زندانیانو شمېر کم و؛ خو وروسته یوشمېر نورو له هغوی تقلید وکړ او ځینې نور د زندانیانو د گواښوونو له امله اړ شول چې له دې ستر اعتراض سره یو ځای شي.

د ولسي جرگې دویم مرستیال ته وویل، د هرات والي ورته ويلي چې د سترې محکمې هغه پلاوی چې فراه ولایت ته تللی و، تېره ورځ هرات ته راغلی چې له زندانیانو سره وگوري او ستونزې یې واورې؛ خو زندانیانو غوښتنه کړې، چې د دوی غوښتنو اورېدو ته له ارگه یو باصلاحیته پلاوی وشي: ((زندانیان وايي، یو باصلاحیته پلاوی دې د ولسمشر له خوا راشي، ستونزې دې واورې او دوسیې دې و ارزوي، هغه چې باید خوشې شي خوشې دي کړي او په ځینو نورو چې باید د ولسمشر فرمان عملي شي، په هغوی دې فرمان عملي کړي.)) دې وايي، زندانیان تینگار کوی، چې هرات ته په وار

براساس جدول زمانبندی از قبل اعلام شده، قرار است خبرنگاران لوايح كاري و صلاحيت وظيفوي اين اتحاديه را مورد بازنگري قرار بدهند و اعضاي شوراي عالي اتحاديه ملي ژورناليستان افغانستان را نيز انتخاب كنند. فهيم دشتي، رييس اجرائيه يي اين اتحاديه در مراسم افتتاحيه مجمع گفت كه پس از حداقل سي سال، اين براي نخستين بار است كه خبرنگاران بيش از بيست ولايت در كابل گردهم مي آيند و در مورد مساييل مهم اين اتحاديه تصميم مي گيرند. آقاي دشتي مي گويد كه پس از برگزاري مجمع عمومي، انتخابات براي گزينش رييس و معاون اتحاديه ولايتي در ولايات افغانستان نيز برگزار مي شود.

حقيقت حزب التحرير...

قرار دارند انجام نمی دهد بلکه آن ها را منحیت حکام سرزمین های اسلامی محاسبه می کند. بناء اگر نویسنده مقاله محاسبه حکام را که الله متعال آن را بالای مسلمانان فرض ساخته است، خلاف کار برای وحدت اسلامی تلقی می کند پس بهتر است که نظر اش را در مورد وحدت اسلامی تجدید کند تا درک دقیق از مفهوم وحدت اسلامی پیدا کند.

در بخشی از مقاله اش از حزب التحرير انتقاد نموده که بعد از وقوع کودتا علیه محمد مرسى در مصر و سرکوبی اخوانی ها گویا حزب التحرير خاموش نشسته و این وضعیت را صرفاً نظاره می کند. در حالی که حزب التحرير در تونس، مصر، ترکیه، فلسطین، اردن، اندونیزیا، پاکستان و سایر سرزمین های اسلامی این عمل اردوی مصر را نکوهش نموده و تظاهرات عظیمی را براه انداخت، که حتی در ترکیه پسر اردغان هم در یکی از آن تظاهرات اشتراک نمود. حزب التحرير هیچ نوع تفکیکی را میان امت اسلامی قایل نمی شود بلکه مطابق اسلام تمام امت اسلامی را در هر گوشه جهان امت واحد می داند. از این رو قضیه مصر را با قضیه سوریه و قضیه افغانستان را با قضیه مسلمانان میانمار و ... یکی دانسته و راه حل واحد تاسیس دولت خلافت را برای همه امت پیش نموده است. در حالی که حکامی مانند مرسى و غنوشی که نویسنده از آن ها دفاع کرده است، در مقابل ظلم بشار اسد در سوریه چه کاری را انجام داده است که حزب التحرير منحهت گروه اسلامی از آن ها تقدیر کند؟؟ آیا آن ها اردو های امت اسلامی را به جانب دفاع از مردم سوریه سوق دادند؟؟ سپس از منشور ندای گرم حزب التحرير از حالت اضطراری که گاهی اوقات دولت اسلامی با آن روبرو می شود از جزیه دادن به کفار انتقاد نموده است، که موضوع مذکور عمق بیشتر فقهی و فهم سیرت را نیاز دارد. موضوع مذکور در جلد دوم کتاب شخصیت اسلامی حزب التحرير به تفصیل بحث شده است. نویسنده مطلب مذکور را صحیح درک نکرده و چنین استنباط کرده است که جواز جزیه دادن به کفار در حالت اضطراری به معنی مشروعیت بخشیدن به استعمار است! در حالی که موضوع مذکور به ارتباط معاهدات اضطراری در دولت خلافت بحث شده است نه به ارتباط واقعیت کنونی.

نویسنده حزب التحرير را انتقاد کرده است که اعضایش را به بعضی از پارلمانها روان کرده است. دران مناطق دران زمان ارگان های پارلمان تقنین نمی کردند و تنها من حیث یک نهاد مشورتی و محاسبوی محسوب می شدند و گاهی هم بعضی از افراد بعد ازین که در پارلمان بوده عضویت حزب را کسب نموده است، سپس مغرضین آنرا مورد استفاده خود قرار داده است.

بعد ازین موضوع اجتهاد رسول الله را انتقاد نموده است و نظریات علما را اشاره کرده است. درحالیکه نظر همان علما احتمال خطا و صواب هر دو را دارد. حزب التحرير موضوع اجتهاد رسول را برخلاف اصل عصمت انبیا می داند. زیرا عصمت انبیا عقلا ثابت است و امکان ندارد الله سبحانه وتعالی کسی را مبلغ وحی قرار دهد که معصوم نباشد. اما اجتهاد به حدیث پیامبر ثابت است که هر اجتهاد احتمال خطا و صواب را دارد. آیا انبیا در حالتی که وحی برای شان نازل می شود، به اجتهادی که امکان خطا دارد عمل نمایند؟ از این لحاظ نویسنده مطلب باید درک کرده باشد که موضوع اجتهاد پیامبران تنها یک ادعا نیست بلکه در عقب آن دلایل شرعی وجود دارد که حزب آن را در کتاب اش آورده است اما این آقا از آن ها مثل یاد

داشت های شخصی اش اشاره کرده است. موضوع تصویر وعکس را با هم آمیخته و بحث فقهی جلد دوم شخصیت اسلامی را نقد کرده است. درین جا هم حزب از خود تفصیلات دقیق دارد، که به قوت دلیل تبنی گردیده است. هرکس علاقمند موضوع باشد جلد دوم کتاب شخصیت اسلامی و دوسیه فقهی حزب التحرير را مورد مطالعه قرار دهد. و کسانی که به حقیقت لغوی در زبان عربی و حقیقت شرعی آگاهی داشته باشند، موضوع را عمیقاً درک می کنند.

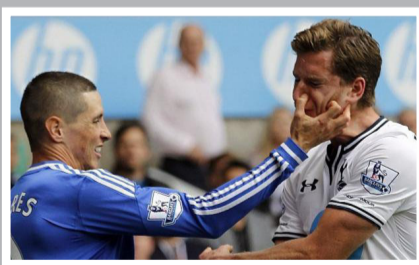
نویسنده متذکره قلبش آرام نگرفته و موضوع طلب النصره را مورد انتقاد قرار داده است. می نویسد: «تجربه حزب تحریر در این زمینه، بیانگر ساده‌انگاری قضایا و ندانستن طبیعت قدرت در روان‌شناسی انسان و برداشتی ساده‌لوحانه از کشمکش‌های سیاسی است. آن‌ها در سال ۱۹۷۸ میلادی از رژیم‌های عراق و سوریه که در نظر حزب تحریر رژیم‌هایی کافر به حساب می‌آمدند، خواستند تا خلافت را اعلام نمایند، چنان‌که همین دعوت را از معمرالقذافی رهبر خون‌آشام لیبیا نیز کردند. آن‌ها در این زمینه از زنده‌گی پیامبر اسلام یاد می‌کنند، در حالی که پیامبر صلی الله علیه وسلم این‌طور نکرد که در مکه شب و روز یاران خویش را مصروف تمرین نمودن جلد نگه دارد، بلکه زیربنای کار او تعلیم و تربیه و عبادت و اخلاق و غرس عقیده و فضیلت‌های اخلاقی در دل و دماغ پیروانش بود؛ کاری که حزب تحریر پرداختن به آن را کسر شأن خویش می‌شمارد. مقایسهٔ رهبران قبایل آن دوران و فرزندان اوس و خزرج با پادشاهان و دیکتاتوران دوران ما، قیاس درستی نیست که پرداختن به آن از حوصلهٔ این مقال بیرون است.» استدلال و فهم کاملاً ناقص و نادرست است. رسول الله صلی الله علیه وسلم از ۲۶ قبيله مقتدر که تمام آن کفار بودند طلب النصره نمود. اما هدف طلب النصره چیزی نیست که خودش تعبیر کرده است. زیرا زورداران باید به مسلمانان قدرت خود را تسلیم نمایند و مسلمان شود سپس گروه دعوتگر سیاسی که آماده تطبیق اسلام منحیت نظام است، اسلام را تطبیق می نماید. این کار را رسول الله صلی الله علیه وسلم انجام داد ده است.

در اواخر از پدیده حزب من حیث یک پدیده دموکراتیک انتقاد کرده است، از دموکراسی دفاع نموده و زیادتیر کوشش کرده تا افکار امت درین عصر بدون معیار وحی، همین طور پراکنده باشد و این موضوع را زیر اصطلاح فرسوده پایان تاریخ بارها یاد کرده است. و از تعامل احساساتی با احساسات مردم استفاده کرده مردم را دودله ساخته تا همگام با حزب التحرير در راستای احیای دوباره زندگی اسلامی زیر سایه خلافت مبارزه کنند و حتی به شیوه ای نتیجه گیری نموده که مفکوره خلافت و حزب التحرير را مانند اجناس لیلایمی توجیه نموده است، که تنها جوانان را در وجد می آورد. درحالیکه نتایج کار این ابرمردان تاریخ از آغاز تا اکنون در زیاله دانی تاریخ انداخته شده، چون طبق طریقه انبیا خصوصاً رسول الله نبوده، طوری فکر، عمل و سیاست کرده که همیشه نفعش به بادران غریبی شان رسیده است و حتی صدمه عظیمی را بر پیکره واحد امت زده، بارها به قدرت رسیده اما اجزای بسیار خورد شریعت را هم نتوانسته تطبیق نماید. به امید روزی که مانند اکنون نام خلافت با نام حزب التحرير لازم و ملزوم گشته، تطبیق انقلابی اسلام و حمل آن به سراسر دنیا هم توسط این حزب صورت بگیرد و به جهانبان عملا نشان دهد که نظام اسلام یگانه راه حل به مشکلات بشریت است.

والسلام علی من التبع الهدی!



تورس در خطر محرومیت چهار جلسه‌ی



فرناندو تورس به دلیل حرکت غیر اخلاقی در بازی برابر تاتنهام در آستانه محرومیت چهار جلسه‌ای قرار گرفت. چلسی و تاتنهام در هفته ششم لیگ برتر انگلیس در ورزشگاه وایت هارت لین به مصاف هم رفتند که این دیدار در پایان به تساوی یک بر یک به پایان رسید.

فرناندو تورس، مهاجم اسپانیایی چلسی در این دیدار در حرکتی که به نظر از چشم داور دور ماند، با دست به صورت ورتوگن، مدافع تاتنهام ضربه زد.

پیش از این صحنه تورس روی ورتوگن مرتکب خطا شد که داور به او یک کارت زرد داد. مهاجم اسپانیایی پس از این خطای خود با دست به شکل خطرناکی به صورت ورتوگن ضربه زد که هم از چشم داور دور ماند و هم از چشم کمک‌های او.

کمیته انضباطی فوتبال انگلیس قصد دارد فرناندو تورس را به دلیل این حرکت خشن با محرومیت چهار جلسه‌ای روبرو سازد. البته تورس در این دیدار چند

توافق روبرتو مانچینی با گالاتاسرای



روبرتو مانچینی با باشگاه گالاتاسرای برای امضای قرارداد سه ساله به توافق اولیه رسید. گالاتاسرای ترکیه هفته گذشته به دلیل کسب نتایج ضعیف فاتح تریم، سرمربی خود را برکنار کرد. باشگاه ترکیه‌یی قصد دارد روبرتو مانچینی ایتالیایی را به عنوان سرمربی جدید خود منصوب کند. رسانه‌های انگلیسی از توافق این مربی ایتالیایی با گالاتاسرای برای امضای قراردادی سه ساله به ارزش ۵.۵ میلیون یورو خبر دادند.

مانچینی که پس از اخراج از منچسترسیتی تاکنون بدون تیم بوده است، قرار است قرارداد رسمی خود را به عنوان سرمربی جدید گالاتاسرای امضا کند. البته در بند قرارداد مانچینی آمده است در صورتی که تیم ملی ایتالیا به وی پیشنهاد همکاری دهد، او بتواند گالاتاسرای را ترک کند. در صورتی که مانچینی بتواند با گالاتاسرای به قهرمانی در لیگ ترکیه و موفقیت در لیگ قهرمانان اروپا دست یابد، پاداش‌های این مربی یک و نیم میلیون یورو خواهد بود. گالاتاسرای امشب در لیگ قهرمانان اروپا باید در خانه یونتوس به دیدار این تیم برود.

بدترین شروع ۲۴ سال اخیر منچستریونایتد



را از خود بر جای گذاشت و از شش بازی هفت امتیاز به دست آورد. لیگی که برای شیاطین سرخ خوش یمن نبود و این تیم در پایان فصل با ۸ امتیاز در مکان سیزدهم ایستاد. یونایتد غیر از بازی با سوانسی در هفته نخست، هیچ وقت نتوانسته است در جریان بازی گلزنی کند.

البته منچستری‌ها در حالی با هفت امتیاز در رده دوازدهم جدول قرار دارند که با تیم پانزدهم جدول نیوکاسل هم امتیاز هستند و فقط به دلیل تفاضل گل بهتر در این جایگاه قرار گرفته‌اند.

مویس پس از شکست برابر وست برومویچ با انتقاد از بازیکنان خود گفته بود «تیمش بازیکنانی در سطح ژنرال مادرید، بارسلونا، بایرن مونیخ ندارد و این مشکل اوست.» البته غیر از این مشکلی که مویس به عنوان دردرس منچستر در این فصل یاد می‌کند نباید از نبود سرآلکس فرگوسن نیز غافل بود. کسی که موفق ترین مربی تاریخ بریتانیاست. غیر از این باید به سیستم چرخشی دیوید مویس نیز خرده گرفت که نتوانسته موثر واقع شود.

منچستریونایتد در فصل نقل و انتقالات تلاش زیادی برای به خدمت گرفتن سسک فابریگاس و مسوت اوزیل انجام داد اما در نهایت نتوانست به توفیقی دست یابد و در نهایت مروان فلاینی بلژیکی را جایگزین این بازیکنان کرد.

منچستر یونایتد بدترین شروع فصل خود در بیست و چهار سال اخیر را تجربه می‌کند.

منچستر یونایتد در هفته ششم لیگ برتر برابر وست برومویچ شکست خورد تا از شش دیدار خود تنها هفت امتیاز را کسب کرده باشد و در رده دوازدهم جدول جای گیرد.

این نتیجه بدترین آغاز فصل منچستر یونایتد در لیگ برتر است. آخرین باری که منچستر یونایتد در رده دوازدهم جدول لیگ جزیره ایستاد، پاییز ۱۹۸۶ بود. زمانی که تیم ران اتکینسون در رده نوزدهم جدول قرار گرفت و منچستری‌ها یک نفر را جایگزین او کردند. آن هم سرآلکس فرگوسن بود. اکنون تاریخ برای منچستری‌ها تکرار شده است. آنها در اولین فصل دیوید مویس با بازی‌های ضعیف خود در لیگ برتر تنها شش امتیاز به دست آوردند و ۳ بار طعم شکست را چشیده‌اند.

فرگوسن در فصل ۱۹۸۹-۹۰ نیز رکورد ضعیفی

Mandegar

وزیر خارجه هند: ارتش پاکستان جلو شریف را می‌گیرد

بزرگداشت مولانا در تاجیکستان

په هرات کې د پنځوسو زندانیانو روغتیايي وضعیت د اندېښنې وړ دی



سلمان خورشید، وزیر خارجه هند می‌گوید که سازمان استخبارات پاکستان (آی‌اس‌آی) و ارتش این کشور می‌خواهند تا تلاش‌های حکومت نواز شریف را برای مذاکره با هند تضعیف کنند.

وزیر خارجه هند در مصاحبه‌ی با صدای امریکا گفت در حالی که نواز شریف در مسیر درستی گام بر می‌دارد، ضرور است تا حکومت غیر نظامی پاکستان راه‌هایی را برای کنترل ارتش و آی‌اس‌آی، به‌کار گیرد.

نخست‌وزیر پاکستان چندی پیش گفت که برای مذاکرات صلح با طالبان پاکستانی حمایت تمام نهادهای دولتی به شمول ارتش و استخبارات آن کشور را به دست آورده است. وزیر خارجه هند اما به این اظهارات نواز شریف به دیده شک می‌نگرد.

آقای خورشید گفت «اگر تمام نهادهای پاکستان هم نظر می‌بود، آنچه صورت گرفت، اتفاق نمی‌افتید.» منظور آقای خورشید، درگیری‌های اخیر میان نیروهای هندی و پاکستان در کشمیر مورد منازعه بود.

آقای خورشید گفت اعتماد زمانی به میان آمده می‌تواند که پیشرفت‌های عملی در پاکستان در امر مبارزه با دهشت افکنی، مشاهده شود. ... ادامه صفحه ۶

به مناسبت روز بزرگداشت مولانا نشست ادبی بین‌المللی با حضور اندیشمندان در دوشنبه پایتخت تاجیکستان برگزار شد.

در این نشست که اندیشمندان از ایران، ترکیه، افغانستان و تاجیکستان حضور داشتند، پژوهشگران تاجیکستان گفتند: مولانا به عنوان یک متفکر مذهبی جایگاه چندان شایسته‌ی در ادبیات دوران شوروی نداشت، روندی که پس از استقلال جمهوری‌های آسیای مرکزی دگرگون شد.

میرزا ملا احمداف معاون آکادمی علوم تاجیکستان که چندین کتاب در خصوص اندیشه‌های این شاعر فارسی‌زبان از جمله اندرزنامه مولانا منتشر کرده معتقد است: شاعران، نویسندگان، هنرمندان تئاتر و سینمای تاجیکستان پس از استقلال این جمهوری بیشتر به مولوی و آثار وی روی آوردند.

علی اصغر شعر دوست سفیر ایران در تاجیکستان نیز گفت: برای شناساندن تفکرات و اندیشه‌های والای این شاعر بزرگ برگزاری کنفرانس بین‌المللی با حضور اندیشمندان همه کشورهای فارسی‌زبان ضروری است.



په عدلي او قضايي څار کې د ځنډ له امله د هغوی دوسې ځنډېدلې، چې د زندانیانو او د هغوی د کورنیو د غصې را پارېدلو لامل شوي دي.

دی په دې باور دی، چې دغه لاملونه د دې سبب شوي چې زندانیان یې شکایت کولو ته اړ ایستلي، تر دې حده چې ولایتي مسوولین ونه توانېدل چې د هغوی شکایت حل کړي او یا ورته یو قناعت بښونکی ځواب ووايي.

دی وایي، پنځه ویشت ورځې وړاندې دی د هرات له والي او یوشمېر نورو چارواکیو سره د هرات زندان ته د هغو بندیانو حال اخیستو ته ورغی، چې خپلې خولې یې تړلې وې: ((هغوی ډېر موجه انتقادونه درلود، یوه نیوکه یې په زندان کې د ژوند کولو د اسانتیاوو نشتون او د بندیانو د شمېر زیاتوالی و، دغه راز هغوی په عدلي او قضايي ادارو نیوکې کولې چې دوسې ته په وخت رسیدگي نه کوي او په پاکو او تاریخي ورځو کې د ولسمشر د بښنې د فرامینو له نه تطبیق نه یې سر ټکاوه. موږ سره له دې چې یو کمېسیون هم وټاکه خو ونه توانېدو چې د هغوی ستونزې حل کړو.)) ... پاتې ۷ مخ

په هرات کې د زندانیانو د اعتصاب په نهمه ورځ د ولسي جرگې غړي او د هرات اوسېدونکي وایي، چې ولسمشر دې د زندانیانو وضعیت ته جدي پام وکړي او دغه ستونزه دې ختمه کړي.

راپورونه وایي، چې په دې زندان کې کابو پنځوسو تنو خپلې خولې گنډلې او روغتیايي وضعیت یې د اندېښنې وړ دی. په ولسي جرگه کې د هرات د خلکو استازي صالح محمد سلجوقي ماندگار ورځپاڼې ته په مرکه کې وویل، چې د هرات په زندان کې د اعتصاب کونکیو زندانیانو شمېر له دوه زرو تنو څخه اوښتی دی.

هغه وایي، څو لاملونه سبب شوي چې زندانیان په مدني حرکت لاس پورې کړي.

د ده په وینا، په هرات زندان کې د زندانیانو شمېر دومره ډېر شوی چې ظرفیت یې نه لري او نشي کېدای چې نستا هلته اوسېدونکیو کسانو ته د ژوند شرایط برابر شي.

ښاغلی سلجوقي زیاته کړه، بل لامل د هرات په زندان کې د یوشمېر زندانیانو دوسیو ته نه رسېدگي ده او د هغوی دوسیو ته د رسېدگي د څرنگوالي او شپوې په اړه ده چې هغوی یې اعتراض ته اړ ایستلي دي.

نوموړی دغه راز وایي، په هرات زندان کې داسې زندانیان هم شته چې د هېواد په نورو زندانونو کې یې له شته کسانو سره دوسیو ورته دي، چې هغوی د بښنې د ځانگړو فرمانونو له مخې خوشې شوي؛ خو په هرات کې په دې زندانیانو د ولسمشر د بښنې د ځانگړو فرامینو حکم نه دی تطبیق شوی.

د ولسي جرگې دویم مرستیال وویل، په هرات زندان کې ډېر داسې زندانیان هم شته، چې برخلیک یې روښانه نه دی او

وزیر دفاع امریکا: توافقنامه امنیتی تا نومبر نهایی شود



اما توافقنامه جدید امنیتی که میان واشنگتن و کابل به امضا می‌رسد نیاز است تا این نیروها در افغانستان باقی بمانند.

هاگل در ادامه گفت: ما با حامد کرزی، رئیس‌جمهوری افغانستان و دولت کابل برای دستیابی به توافقنامه دو جانبه امنیتی در حال همکاری هستیم تا آن را تکمیل ... ادامه صفحه ۶

وزیر دفاع امریکا اعلام کرد که امیدوار است توافقنامه امنیتی امریکا - افغانستان تا ماه نومبر نهایی شود؛ اقدامی که رئیس‌جمهوری افغانستان به شدت با آن مخالفت است.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، چاک هاگل، وزیر دفاع امریکا در جمع نیروهای امریکایی در یک رزمایش نظامی با سلاح واقعی در کوریا جنوبی گفت: من امیدوارم که در پایان اکتبر سال جاری میلادی به توافقی با مقام‌های افغانستان دست یابیم چرا که ما نمی‌توانیم بدون این توافقنامه کاری انجام دهیم.

امریکا قصد دارد تا ۵۷ هزار نیروی خود را در پایان سال ۲۰۱۴ میلادی از افغانستان خارج کند و احتمالاً یک گروه کوچک از سربازان متشکل از ۱۰ هزار تن را در این کشور باقی بگذارد.

www.mandegardaily.com



MandegarDailyNews



روزنامه ماندگار برای سال جاری خورشیدی مشترک می‌پذیرد



برای دانشجویان و اساتید دانشگاه
سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی
شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی
نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی
یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

دفاتر خارجی
سه ماهه - ۱۰۰ دالر
شش ماهه - ۲۰۰ دالر
نه ماهه - ۳۰۰ دالر
یک ساله - ۴۰۰ دالر



نارسیده به منزل یا دفاتر
سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی
شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی
نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی
یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

سه ماهه - ۱۲۵۰ افغانی
شش ماهه - ۲۵۰۰ افغانی
نه ماهه - ۳۷۵۰ افغانی
یک ساله - ۵۰۰۰ افغانی



حساب بانکی روزنامه ماندگار در میوند بانک: Mandegar daily Bank Account in Maiwand- Bank: 1001201077988

برای اشتراک در روزنامه با این شماره‌ها به تماس شوید: +۷۷۶۹۳۰۵۶۵ - +۷۸۴۳۰۱۶۴۰